

روانی، تهدیدی برای سلامت زنان خشونت

محسن فرشیدی

بر خلاف آن چیزی که تصور می‌شود، خشونت صرفاً به مواردی مثل خشونت فیزیکی محدود نمی‌شود. اگر چه هنوز میان بسیاری از مردم، کتک کاری و اثار کبودی و زخم روی بدن از نشانه‌های خشونت است، اما خشونت لایه‌های مختلف و گسترده‌تری را شامل می‌شود. یکی از رایج‌ترین آن‌ها خشونت روانی و کلامی است. عواقب این نوع خشونت که بلافاصله آثاری از خود روی تن به جا نمی‌گذارد، در بسیاری موارد منجر به آسیب و زخم‌های طولانی‌تر و عمیق‌تری می‌شود.

بر اساس پژوهشی که سایت سلامت نیوز و روزنامه اطلاعات آن را منتشر کرده‌اند، زنان ایرانی میان شکل‌های مختلف خشونت، بیش‌تر از همه تحت خشونت کلامی و روانی هستند. در این پژوهش که در سطح ملی صورت گرفته، آمده است « ۷/۲۵ درصد از کل پاسخگویان اعلام کرده‌اند که از اول زندگی مشترک تا کنون قربانی این نوع خشونت که شامل دشنام، داد و فریاد، بهانه‌گیری‌های پی‌درپی و... است بوده‌اند. رتبه بعد، خشونت فیزیکی از نوع دوم است که ۸/۷۳ درصد از زنان ایرانی از اول زندگی مشترک خود، آن را تجربه کرده‌اند که شامل سیلی زدن، زدن با مشت یا چیز دیگر، لگزدن و... است. رتبه سوم با رقم ۷/۷۲ درصد متعلق به ممانعت از رشد اجتماعی، فکری و آموزشی است که شامل ایجاد محدودیت از ارتباط‌های فامیلی، دوستانه و اجتماعی، ممانعت از کارایی و اشتغال و ایجاد محدودیت در ادامه تحصیل و مشارکت در انجمن‌های اجتماعی است.»

در جوامعی که عموماً فرهنگ رایج و همچنین قوانین کشوری از یک ساختار و نظام مردسالار تبعیت می‌کنند، امکان پیگیری و تلاش برای جرم‌یابی و محکومیت این نوع خشونت‌ها که در بیش‌تر موارد هم در خانه و میان نزدیکان به وقوع می‌پیوندد مشکلات و پیچیدگی‌های فراوانی دارد. خشونت در چنین جوامعی در بیش‌تر موارد به خودی خود پنهان می‌ماند و یا در بسیاری موارد شاهی بر این نوع خشونت‌ها وجود ندارد و یا اگر هم شاهی وجود داشته باشد فرد قربانی را به دلیل فرهنگ و سنت‌های رایج تشویق به سکوت و باقی ماندن در رابطه توأم با خشونت می‌کند. در این پژوهش تاکید شده که «متوسط میزان تجربه این نوع خشونت‌ها برای زنان درگیر در خشونت خانگی برابر با ۲/۶۴ بار است.» «در انتهای پژوهش صورت گرفته آورده شده» براساس یافته‌های روان‌شناسی، خشونت روانی و کلامی بیش از خشونت فیزیکی بر روح زنان تاثیر می‌گذارد و لایه‌های عمیق و حساس‌تر درون آنان را تهدید می‌کند. خشونتی که کم‌تر به چشم می‌آید و به دلایل فرهنگی در بسیاری از موارد به رسمیت شناخته نمی‌شود.»

توهین، افترا، قطع رابطه فرد با نزدیکان یا ایجاد محدودیت در آن، تهدید کردن به بهانه‌های متفاوت، زدن برچسب‌های مختلف و خشونت‌هایی از این دست باعث منزوی شدن فرد شده و اعتماد به نفس را از او می‌گیرد. در چنین شرایط فرد قربانی که نه حمایت لازم از خانواده را به همراه دارد و نه قوانین و سیاست‌های اجتماعی از او پشتیبانی می‌کنند، گاه تا مرز فکر به خودکشی و یا اقدام به آن جلو می‌رود. خودکشی زنان در سال‌های گذشته بنابر آمارهای ارائه‌شده رشد چشم‌گیری داشته است. همگی این موارد که مستقیم و غیرمستقیم سلامت زنان را تهدید می‌کنند از تبعات خشونت‌های روانی هستند. زنانی که مورد این نوع خشونت قرار می‌گیرند، آثار آن را در بیش‌تر مواقع تا آخر زندگی خود به همراه خواهند داشت و به شکل‌های گوناگون تحت تاثیر آن در طول زمان قرار می‌گیرند.

یکی از وظایف دولت‌ها در جوامع مختلف پیدا کردن راه‌کارهایی برای کاهش این نوع خشونت‌ها است. خشونت به صورت کلی و در کلیه اشکال آن، جدا از منظر فردی، بر جامعه و توسعه یک کشور نیز تاثیر مستقیم می‌گذارد. فردی که در خانه مورد خشونت قرار می‌گیرد، بهره‌وری لازم برای فعالیت و کمک به توسعه یک جامعه را نیز از دست می‌دهد. شهیندخت ملاوری، معاون ریاست جمهوری دولت در نشست روسای دانشگاه‌ها در اسفند ۴۹۳۱ گفت: «معاونت زنان در ۴۱ محور با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط، برنامه‌های خود را در دو و نیم سال گذشته دولت یازدهم با سه محور شامل بهبود وضعیت کنونی سلامت، ارتقا سطح دانش و ثبات سلامت و کاهش عوامل خطر در حال اجرا دارد.» «او در ادامه تاکید کرد که زنان و به خصوص دانشجویان دختر به دلایل مختلف در خطر آسیب‌های بیش‌تری قرار دارند. احساس فقدان امنیت در خانواده و اجتماع از جمله دلایلی بودند که معاونت ریاست جمهوری ایران به آن اشاره و تاکید کرد.»

از آنجایی که بیش‌تر خشونت‌های کلامی و روانی در محیط خانواده روی می‌دهد، شهیندخت ملاوردی راه اندازی «کلینیک سلامت خانواده» را از جمله اقدامات صورت گرفته و گسترش آن را ضروری می‌داند. وی در این مورد خاطر نشان کرد: «راه‌اندازی کلینیک سلامت خانواده، تدوین برنامه‌های آموزشی با هدف ارتقاء سلامت زنان و مردان، حمایت از برگزاری دوره‌های آموزشی و مشاوره برای تقویت سلامت زنان، راه‌اندازی کارگروه سلامت و بهداشت در معاونت زنان، تدوین گزارش ملی وضعیت سلامت زنان در برنامه ششم، پیگیری تصویب سند ملی امنیت زنان و کودکان در روابط اجتماعی و امضاء تفاهم‌نامه با وزارت علوم و بهداشت برای ارتقاء سلامت روان دانشجویان را از برنامه‌های این معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده است.»

خشونت علیه زنان که بیشتر از هر جای دیگری در خانه و میان افراد خانواده صورت می‌پذیرد جوانب مختلفی دارد که یکی از تبعات اصلی آن سلامت زنان است. در معرض خطر قرار گرفتن سلامت زنان، مشکلات گسترده‌ی اجتماعی با خود به همراه خواهد داشت. یکی از تبعات اصلی خشونت روانی و کلامی، انزوای زنان و از بین رفتن اعتماد به نفس آنان است. موضوعی که می‌تواند به گسست خانوادگی و همچنین عدم کارایی آنان در اجتماع بیانجامد. بیماری‌هایی از جمله افسردگی، اضطراب، کابوس‌های شبانه، شکل‌های مختلف اعتیاد، دوری از جامعه، انزوا و... از تاثیرات خشونت‌های روانی هستند.

امروزه خشونت روانی و کلامی یکی از پیچیده‌ترین و گسترده‌ترین انواع خشونت است و به شکل مستقیمی سلامت زنان را تهدید می‌کند. اثبات چنین خشونتی بر خلاف خشونت فیزیکی در جوامع توسعه‌یافته با قوانین پیشرفته نیز به سادگی امکان‌پذیر نیست. تلاش برای اصلاح قوانین و همچنین آموزش و آگاهی به عموم مردان و زنان در مورد این نوع خشونت و همچنین تاثیرات مخرب آن بر فرد آزاردیده، از مهم‌ترین کارهایی هستند که باید بیشتر از گذشته مورد توجه سازمان‌های مختلف و همچنین فعالین این حوزه باشد.